



۲۰۱۷/۰۵/۲۰

مصطفی‌عمرزی

ادارات دولتی و ضیاع سرمایه های ملی

بر اساس روال، نیازهای مردم به ادارات دولتی در مراجعه به آن‌ها از مشاغل روزانه است. مجموعه ای از وزارت‌ها با ریاست‌های مستقل در زنجیره ای از ادارات به هم مرتبط، شامل مکان‌ها و ده‌ها هزار مأموری می‌شوند که اگر کدرهای مؤظف در پوهنتون‌ها، مکاتب و شفاخانه‌ها را در کنار مسؤولان اردو، پولیس و امنیت مجزا کنیم، سیاهی لشکر عظیمی وجود دارد که مصارف روزانه، هفته‌وار، ماهانه و سالانه آنان، به میلیارد‌ها افغانی می‌رسد. صرف نظر از کمک‌های جامعه جهانی، بودجه کشور بر اثر عواید داخلی، در حالی که ناگزیر است مصارف جنگ



را در دایره بیشتر متقبل شود، بر اثر تأمین مصارف دوایر و مأموران ملکی دولت نیز به گونه ای مُعضل دارد که حاصل مصارف آن، در ارایه کمترین و ناچیزترین خدمات کارمندان و ادارات، زیان‌های زیادی به امور اقتصادی و اداری وارد کرده است.

ضعف اقتصادی واضح، در پرداختن و خواندن داستان‌های معصومیت مأموران دولتی، ادبیات کهنه ای است که از زمان‌های با امواج رادیو، تلویزیون و رسانه‌ها، ردیف‌های مختلفی از مردمی به چشم آیند که هرچند مستحق‌اند، اما در برابر آنچه دریافت می‌کنند، به درستی ادای دین نکرده‌اند. چنانچه بر اثر شرایط بحرانی، سطح تأمین حقوق مأموران در افغانستان، صرف نظر از باران پول‌های اقتصاد مصنوعی که رو به پایان است و تعادل پرداخت معاشات را مؤقتاً به هم زدن، خوب نیست، اما ارایه کار در برابر آن چه به ادارات دولتی تأدیه می‌شود، آن قدر ناچیز، بی کیفیت و زمان‌گیر است که

اگر کاغذ بازی‌های اداری، نوعی از توقف در امور کاری می‌شوند، عمدتاً سطح پاسخگویی مأموران دولتی، باوجود استفاده از مزایای نو تکنالوژیک، بالاتر از خدماتی نمی‌رود که در گذشته اجراء می‌کردند. اجرای ناچیزترین امور اداری، به هفته‌ها می‌رسد. در اداراتی که به گونه ای در پیوند به ماجراهای اقتصادی، داد و ستد، قضا و تجارت کار می‌کنند، اجرای کار با فرصت‌های سوء استفاده از مسؤولیت، به مدخل‌هایی می‌ماند که سالانه میلیون‌ها دالر

افغانان را به نام رشوت، غارت کنند. گزارش های جهانی حاکی از پرداخت سه میلیارد دلاری رشوه از سوی افغانان، عمق فاجعه ای را نشان می دهد که ادارات دولتی، به ویژه در جایی که ملکی اند، به چه شکلی به نیاز های مردم پاسخ می دهند.

هفت سال پس از فراغت از پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون کابل، برای آن که بتوانم دیپلوم بگیرم، منتظر ماندم. بخشش امریکاییان با تأمین مصارف و امکانات، باعث توزیع دیپلوم های معیاری ای شد که از چند سالی است نهاد هایی چون پوهنتون کابل می دهند، اما بر اثر ظرفیت های پائین، فساد و نبود کیفیت، اخذ این سند، در زمانی که مشاغل دولتی از رونق افتیده اند و در مناطق جنگ زده، پُست های خالی بیشتر می شوند، در پائین ترین سطح ارزش، ۴۰ روز، مرا سرگردان کرد تا به حقی برسم که بر اثر لطف کار فرهنگی، تکمیل پروژه مونوگرافم، کمتر از یک ماه را در برگرفت. در نمونه خاطره این مثال، گاه بر اثر یک امضای ناچیز، مدیر پوهنخی، در عقب کامپیوتری که بلیارد می زد، ناز می کرد که اگر فردا بیایی، یک امضای بسیار خوب برایت می گیریم. فاصله او با دفتر رئیس، دو تا سه قدم بود، اما در هرج و مرج شرایط، این مجموعه در شمار بقیه ادارات ملکی، میلیارد ها افغانی را به نام معاش، اضافه کاری و حقوق، ضایع می کنند. بسیاری از ادارات دولتی، در عمل، مکان های سرپوشیده برای مجموعه ای از افراد و اشخاصی اند که در چند سال حاکمیت های ائتلافی، اگر بعضی تحمیل شده اند، زیرا واجد شرایط نیستند، از سوی دیگر در درگیری هایی که به نام اصلاحات اداری، تغییر و تبدیل را بر اساس بیروکراسی - به عمده ترین فعالیت های ادارات دولتی مبدل کرده است، در جا هایی مثلاً وزارت اطلاعات و فرهنگ، به ریشخند و طنزی می مانند که شماری فقط بر اثر رفت و آمد در آن جا، معاش می گیرند؛ اما این ادارات به نمایندگی از بقیه، از ارایه چند برنامه، نشر چند جلد کتاب و برپایی چند مراسم فرهنگی ساده نیز عاجز اند.

این که میکانیزم کاری ادارات دولتی در قبال نابسامانی ها و قانون شکنی ها در مانده است، می تواند از فشاری نیز حکایت کند که دولت افغانستان در امواج دشواری های ستیز مخالفان مسلح، آناشیزم، رقابت های ناسالم سیاسی برای سهم دولتی، مجموعه ای را در اختیار دارد که هرچند در تأمین نیاز های آن، حتی دچار فشار و مسؤولیت اخلاقی است، اما این مجموعه «مدام خور»، در مرحله امتحان، قرار نمی گیرد که باوجود سطح پائین معیار های تأمین حقوق، آنچه در بیشتر ادارات دولتی به خصوص در شهرها می کنند، کمتر از مصارفی است که دولت افغانستان برای تأمین نیاز های مأموران ادارات دولتی، انجام می دهد.

ادارات دولتی در افغانستان، در ناکامی پروگرام های عمرانی، رفاهی و انکشافی دولت، در چند سالی که گذشت، در منجلا ب فساد اداری، اگر چنین بماند، خطری است که در بغل گوش ما، زنگ می زند، اما در هیاهوی مقال عاطفی آن، کمتر کسی چیزی می گوید که اگر تأمین نیاز های مجموعه بشری زیر دست دولت، مکلفیت ملی، انسانی، اسلامی و افغانی است، اداره پول هایی که بر این مجموعه مصرف می شود، در تمامی ابعاد اسلامی، افغانی و انسانی ایجاب می کند به سؤالاتی پاسخ دهند که بودجه دولت، اگر در اشکال انکشافی، خبرهای زیادی از افسوس و یأس ناشی از ضعف هایی داشت که تعدادی بی سواد و بی کفایت، نتوانستند در فرصت های آن، پول های کمک شده را در زمینه ای مصرف کنند که انباشته از ضرورت بود، ضیاع سرمایه ها و اقتصادی که به نام تأمین مصارف ادارت دولتی می شود، از اهمیت اداره، بازخواست، نظارت و پاسخگویی هایی حکایت می کند تا مصارف دولت، به میزانی جبران شود که در شرایط کنونی، از یک مأمور یا نهاد دولتی، توقع می رود.

این درست نیست که مُعضل دواير دولتي، در گرو نياز هاي اقتصادي مأموران دولتي بماند، اما از توجه بر چه گونگي كاري كه توقع مي رود، با توجه مشكلات نا تمام و گاه غير معقول، طفره بروند.

تنظيمات جديد دولتي كه با نظارت بر حاضري، اجازه نمي دهند مأموران، قبل از پايان رسميات خارج شوند، اگر با اداره از نحوه كار و بازخواست بر ضعف ها بركنار باشد، چيزي شبیه ننگه داري گوسفنداني مي شود كه در چهار ديواري ادارات ننگه مي كنند، اما آنان فقط مي خورند و بع بع مي كنند.

در قبال تأمين مصارف مأموران ادارات دولتي، ضرورت دريافت نتيجه از پول هايي كه تاديه مي شود، بسيار مهم است. اگر ميكانيزم اداره كار در دواير دولتي افغانستان، فعال و ناظر نباشد، دولتي كه در هاله دشواري ها به سختي نفس مي كشد، شبیه جسمي است كه با ريسمان هاي بزرگ در گردن (مأموران دولتي) ناگزير است اين مجموعه داراي اندام هاي دست، پا، چشم و گوش را حمل كند. اين خودكشي اداري، با ثقلت ناشي از كليت انساني كه مي توانند رفع زحمت كنند، سرعت دولت در تأمين نياز هاي كلان مملكت را با اين مجموعه آويخته «دايم خور»، بطي مي كند. حد اقل در برابر مبالغه كه مي پردازند، كار بخواهند. با كمر خميده از بار سنگين، مسابقه ماراتون مي دهند!؟

پايان

